

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۷۷-۲۹۲

تربیت کودک از دیدگاه قرآن و روایات

زهرا حیدری^۱

بهارک ساعتی^۲

چکیده

تعلیم و تربیت یکی از مباحث مهم و کلیدی که در رشد و شکوفای افراد، در تمام عرضه های زندگی نقش مهم و اساسی دارد. به گونه که پیشرفت هر جامعه وابسته به تربیت افراد آن جامعه دارد. قرآن کریم هم فلسفه بعثت انبیاء الهی را تعلیم و تربیت انسان ها و تزکیه آنها از آلودگی های اعتقادی و اخلاق معرفی کرده است. امروزه کشورهای غربی هم روی موضوع تربیت کودک بشتترین سرمایه گذاری را می کنند، تا در آینده از این طریق در تصمیم گیری های کلان سایر کشورها نقش داشته باشند. با توجه به اهمیت تربیت، قرآن کریم به عوامل مهم که نقش در تربیت کودک دارد، اشاره می کند. در قرآن کریم و روایات به سن کودک، محیط زندگی آن مثل خانه و جامعه اشاره شده است. در این پژوهش برآنیم که تربیت اخلاقی کودکان از منظر قرآن و روایات را بررسی نمائیم. به دلیل اهمیت تربیت دینی در شکل گیری خانواده و جامعه دینی، شایسته است تا مطالب نو و جدیدی با توجه به شناخت و جایگاه نیاز امروزی جامعه بشری و در تربیت کودکان بیان گردد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، محیط، خانه، جامعه، قرآن، روایات، کودک.

۱. لیسانس شیمی، فرهنگی و دبیر با کد پرسنلی: ۷۸۹۸۷۳۶۱

۲. لیسانس علوم تجربی، فرهنگی و دبیر با کد پرسنلی ۷۰۳۹۹۲۲۶

● مقدمه

قرآن کریم به عنوان چراغ پرفروغ کاملترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد. در آیات متعددی قرآن کریم، تعلیم و تربیت اسلامی به زیبایی هرچه تمام بیان شده است. اهمیت تربیت دینی از آنجا ظاهر می شود که انسان در زندگی خودش با انواع از آسیب ها، خطرها و تهدیدها مواجه است. خداوند در سوره تحریم آیه ۶، به همه مؤمنین دستور می دهد که مواظب خود و فرزندان باشند. این دستور خداوند یک دستور تربیتی است که مربوط تربیت فرزندان و اهل خانه می شود. بدین معنا که هر یک از پدر و مادر به سهم خودشان در قبال تربیت فرزندان شان مسؤول هستند و باید وظیفه خودشان نسبت به این وظیفه مهم فراموش نکنند. به دو نکته مهم در این آیه اشاره شده است: نخست حفظ نفس از آتش، دوم نگه داری اعضای خانواده از آن. طبیعی است که این دو امر، با تزکیه نفس و تربیت دینی فرزندان و زیردستان امکان پذیر خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۲۸۶).

(۱) مفهوم شناسی

برای واژه تربیت در لغت و اصطلاح معانی متعددی بیان شده است. از این رو لازم است که معنای لغوی و اصطلاحی آن مورد بررسی قرار گیرد.

(۱-۱) مفهوم لغوی تربیت

واژه «تربیت» عربی، مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه است: ۱. رَبَّأ، يَرْبُو (فعل مهموز)؛ ۲. رَبَّى، يَرْبِي (فعل ناقص)؛ ۳. رَبَّ، يُرَبُّ (فعل مضاعف)

تربیت چون از «ربا، یربو» باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می رساند. ابن منظور در لسان العرب می گوید: «چیزی رشد کرد و افزوده شد». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۰۵).

اگر تربیت برگرفته از «ربی، یربی» باشد، معنایش افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک است.

واژه تربیت از ریشه «رَبَّ، یرب» در معانی زیر آمده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن.

از میان سه معنای ذکر شده، بیشتر زبان‌شناسان، تربیت را با عنایت به ریشه «رَبَّ، یرب» تعریف کرده‌اند. مثلاً در تعریف راغب اصفهانی آمده است: «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجامی که آن را سزد برسد». (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲، ص ۵۲).

واژه «تربیت» در زبان فارسی به معنای پرورش‌دادن، (عمید، ۱۳۶۲، ص ۳۸۶) آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ‌شدن (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه تربیت) و همچنین به معنای یاد دادن ادب و اخلاق (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۶۳) نیز آمده است.

در زبان عربی، این واژه در قالب باب تفعیل از ریشه‌ی «رَبَّ» ساخته شده به معنای افزودن، رشد و نمو کردن و علو (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۸۳) که غالباً برای رسیدگی به امور موجود زنده جهت دست‌یابی او به رشد و نمو ظاهری استعمال می‌شود. معمولاً رسیدگی یادشده در مورد انسان، به دوران طفولیت وی منحصر می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۲۶). در متون روایی، واژه‌ی «تربیه» ذکر شده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳). اما در قرآن کریم، کلماتی با ریشه‌ی «رب» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲، ص ۳۳۶) آمده است، مانند «ربّانی». (اسراء/ ۲۴)

با توجه به تعاریف متعددی که از تربیت بیان گردید، به نظر می‌آید که تربیت در لسان عرب به معنای شکوفا کردن و رشد دادن استعدادهای انسان در جهت کمال به همراه مربی و پرورش دادن می‌باشد؛ کما اینکه راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن، به آن اشاره دارد و تربیت را از ریشه الربّ گرفته و آن را به معنای پرورش دادن می‌داند و همچنین احمد بن فارس در کتاب معجم المقاییس اللغة ریشه تربیت را از الربوة گرفته که به معنای مکانی مرتفع را گوید و در ادامه آن را به معنای «اذا غذّوته» هم گرفته است به معنای غذا دادن و پرورش دادن و به رشد رسانیدن گرفته است، واژه تربیت که واژه‌ای عربی، دارای دو ریشه است که از جهت معنا خیلی از هم بیگانه نیستند. یکی از ماده «ربب» به معنای سرپرستی کردن «رب الاب ولده» یعنی پدر فرزند خود را سرپرستی کرد و نسبت به تغذیه و رشد و تربیت او متعهد شد، و دیگری «ربوه» می‌باشد که معنای تغذیه دادن که اشاره به معنای «پرورش دادن را دارد». حال کدامیک از این دو ریشه اصل و کدام یک فرع است، خود بحث تفصیلی لغوی و مستقلی را طلب می‌کند که از محدوده این پژوهش خارج است.

• (۱-۲) مفهوم اصطلاحی تعلیم و تربیت

با توجه به این که برای تربیت، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان بیان شده است؛ اما با وجود اختلاف تعابیر، همگی به یک نتیجه اجماع دارند و آن رسیدن به قُرب الهی و کمال مطلق است که هر انسان، همواره باید به سوی آن در حرکت باشد.

• (۱-۲-۱) تربیت در اصطلاح

نخستین تعریف برای تربیت، طبق تعالیم پیامبر اکرم (ص) که راه اصلی رسیدن به قُرب الهی را این روش می‌داند: «دلالت و راهنمایی مُترَبی به شناخت خدا، به عنوان رب یگانه انسان و جهان به وسیله عقل، برای تن دادن اختیاری به ربوبیت انحصاری او، از راه عمل به تعالیم و دستورهای آخرین پیامبر الهی و ائمه اطهار، به منظور عبادت خدا برای رسیدن به مقام قرب الهی». (مهدی زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵).

استفاده از قوی انسان و پرورش آنها در تعریف بعدی به چشم می‌خورد که این منظور با تلاش مُربّی و طبق توانایی مترَبی لحاظ شده است. «برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آنها که باید با کوشش و سعی مترَبی نیز توأم باشد تا انسان به منتهای کمال نسبی خود - به میزان طاقت و توانائی - نائل شود». (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۲۱).

در جای دیگر این گونه آمده است: «تربیت عبارت است از پرورش دادن استعدادهایی که در فرد مورد تربیت موجود است». (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

برخی از اندیشمندان هم این گونه تعریف کرده کرده است: «پرورش (تربیت) عبارتست از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا به طور کلی رشد شخصیت پرورش یابندگان در جهت هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنهاست». (سیف، ۱۴۰۱، ص ۱۲). جریان منظم که موجب رشد ابعاد وجودی انسان می‌شود و استعدادها را شکوفا می‌کند.

در برخی از تعاریف بیان شده است: «فرآیند کمک به فرد تربیت پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دستیابی وی به کمال و شکوفا سازی استعدادها یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد». (بناری، ۱۳۸۳، ص ۲۵). آیت الله امینی در تعریف اصطلاحی تربیت که مدعی است بهترین تعریف می‌باشد، می‌نویسد: «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرائط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام

ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند.» (امینی، ۱۳۸۴، ص ۲۷).

از بررسی تعاریف ذکر شده، عناصر مشترک زیر به دست می‌آید: الف. تربیت یک نوع عمل و فعالیت است؛ ب. در تربیت وجود دو عنصر مربی و متربی ضروری است؛ ج. تربیت عملی عمدی، آگاهانه و هدفمند است. (بناری، ۱۳۸۳، ص ۷۰).

بنا بر این هدف اصلی تربیت، کمک کردن به فرد برای رساندن فرد به حد مطلوب و رسیدن به کمال و سعادت است و تغییراتی که در امر تربیت صورت می‌پذیرد، آنی و دفعی نیست؛ بلکه باید به صورت تدریجی و به مرور زمان صورت بگیرد.

تربیت به ابعادهای مختلف انسانی توجه دارد؛ اگر این تلاش و کوشش در جهت رشد و شکوفائی اعضاء و جوارح بدنی باشد، به آن «تربیت بدنی» گویند. اگر در جهت رشد و شکوفائی نیروهای عقلی و قوای فکری باشد به آن «تربیت عقلی» و اگر در جهت رشد و شکوفائی امیال و گرایشات نفسانی باشد و موجب پیدایش ملکات اخلاقی شود، به آن «تربیت اخلاقی» گویند.

هدف اصلی در تربیت دستیابی به کمال و شکوفائی است همراه با بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارها، که در این تعریف به آن اشاره شده است. لذا با این اوصاف می‌توان تعریفی جامع بیان کرد که تربیت عبارت است از لازم است معادل لاتین آن Education نیز بیان شود. از نظر لغت ریشه این کلمه نشان می‌دهد که تربیت عبارت است از «بیرون کشیدن کودک از حالت نخستین و یا از خود بیرون آمدن او» و بعدها مراقبتی که در پرورش و تغذیه کودکان اعمال می‌شود، و نیز به معنای مراقبت در امور پرورش روحی آنان و آموختن علم یا عادت نیک به آنها به کار رفته است. (موریس دبسی، ۱۳۷۴، ص ۳).

• ۲-۲-۱) تعلیم در اصطلاح

تعلیم مصدر باب تفعیل از ریشه «ع - ل - م» و به معنای آموختن و آگاهانیدن است. (دهخدا، ج ۴، ص ۵۹۷۱). تعلیم، آگاهی دادن و تعلّم آگاه شدن نفس به یک موضوع است. (احمد بن فارس، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۱۰). برخی گفته‌اند: تعلیم، بر خلاف اعلام، ویژه اموری است که با تکرار و فراوانی همراه باشند، به گونه‌ای که اثری از آنها در ذهن متعلّم پدید آید (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲، ص ۵۸۰). بر همین اساس می‌توان گفت تعلیم بیان و روشن کردن چیزهایی است که شخص جاهل به کمک آنها عالم می‌شود. (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۹، ص ۲۹۹).

• ۳-۲-۱) تفاوت مفهوم تعلیم و تربیت

در مقایسه آموزش (تعلیم) و تربیت (پرورش)، تفاوت‌هایی بیان شده است که عبارتند از:

۱. از نظر شرایط: شرایط تربیت به مراتب از تعلیم مشکل‌تر است، چون تربیت از ظرافت، حساسیت و پیچیدگی بیشتری برخوردار است. از این رو، مربی نسبت به معلم، باید از قاطعیت، تجربه، معلومات، صبر و استقامت، حلم و شرح صدر بیشتری برخوردار باشد، تا بتواند به نتایج مطلوب تربیتی دست یابد. مربی برای پرورش متربی، از سویی باید تمامی شرایط رشد را آماده ساخته، مرحله به مرحله او را همراهی کند، و از سوی دیگر باید آگاهی، حوصله، دقت، پشتکار را به اندازه لازم دارا باشد. در غیر این صورت، در کار خود موفق نخواهد شد. اما معلم، کافی است که زمینه‌های لازم برای یادگیری را از راه گفتن، نوشتن، رسم کردن فراهم کند.
۲. در تربیت هدف رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایی بالقوه انسان است، ولی در آموزش هدف اصلی در آن انتقال معلومات است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۵).
۳. در تعلیم بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم، اما تربیت فراگیر و همه‌جانبه است. (همان)

بنابراین تعلیم و تربیت تفاوت‌های باهم دارند و چنین هم نیست که هیچ ارتباطی به هم نداشته باشند بلکه هر تربیت در مقدمه به تعلیم نیاز دارد بنابراین تعلیم هم در گستره این تحقیق وجود دارد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به هدف مطلوب یک معلم باید مربی هم باشد؛ یعنی هم تربیت و هم تعلیم را لحاظ کند و تعلیم و تربیت باید همراه همدیگر و در راستای هم انجام گردد.

۲) تربیت کودک از منظر قرآن و روایات

با توجه به جایگاه تعلیم و تربیت، که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی‌ها معرفی شده است و در کلمات پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«بِالتَّعْلَمِ أُرْسِلْتُ، بُعِثْتُ مُعَلِّمًا، بُعِثْتُ لِاتِّمَمِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛

برای یادگیری مبعوث شدم؛ به عنوان معلم مبعوث شدم؛ مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم».

که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم

اصلاح خود بر اصلاح دیگران، و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی می‌باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی‌شناسد؛ چرا که علم و حکمت را گمشده مؤمن می‌داند که نزد هر کس بیابد آن را می‌گیرد.

پیرامون تربیت انسان در قرآن و روایات اهمیت زیادی قائل شده است و مخصوصاً تربیت فرزند و کودک نیز در کلام گهربار ائمه اطهار (ع) نیز بسیار به چشم می‌خورد. حضرت علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند:

«يَعْرِفُ الْمُؤْمِنُ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَ رَبِّهِ بَانَ يُرَبِّي وَلَدًا لَهُ كَافِيًا قَبْلَ الْمَوْتِ؛

قدر منزلت انسان مؤمن در پیشگاه پروردگارش در گرو تربیت فرزندی است که پیش از مرگ او را بی‌نیاز گرداند». (الهندی، ۱۹۸۹، ج ۱۶، ص ۴۸۹).

در آیات قرآن نیز اهمیت تربیت نیز بسیار محسوس است به طور نمونه در آیات سوره لقمان، سفارشات تربیت که لقمان به فرزندان خود دارد را بیان می‌کند. (لقمان / ۱۳-۱۹). بنابراین طبق آیات و روایات متعددی اهمیت تربیت مشخص می‌شود و انسان‌ها همیشه باید به فکر تعالی و ترقی خود باشند و مریبان و والدین نیز در این امر وظایفی دارند که در بخش‌ها و فصل‌های این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۲ سن مناسب برای تربیت

مطالعات و آموزه‌های دینی نشان می‌دهد عوامل مختلف وراثتی، ژنتیکی و محیطی، از آغاز تشکیل نطفه بر انسان تأثیر دارند؛ بنابراین باید از دوران انتخاب همسر و حتی پیش از آن برای برخورداری فرزندان آینده‌مان از تربیتی سالم و مناسب زمینه سازی نمائیم.

«فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثَقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبِّهَا لَنْ أَسْتَيْتِنَا صَالِحًا لَنْكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ، (اعراف/۱۸۹)؛

ترجمه: «پس چون «آدم» با او «حوا» درآمیخت باردار شد، باری سبک و «چندی» با آن «بار سبک» گذرانید و چون سنگین بار شد خدا پروردگار خود را خواندند که اگر به ما «فرزندی» شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود».

طبق این آیه می‌توان برداشت کرد که برای صلاح و تربیت صحیح فرزند، باید پیش از تولد او اقدام کرد و از خدا استمداد جست تأکید اسلام بر چگونگی انتخاب همسر نیز به همین دلیل است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۲۴۱)

در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم آمده است:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ،

(اعراف/۵۸)؛

ترجمه: و زمین پاک «و آماده» گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن «زمینی» که ناپاک «و نامناسب» است «گیاهش» جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید این گونه آیات «خود» را برای گروهی که شکر می‌گذارند گونه‌گون بیان می‌کنیم.»

بعضی از مفسرین این تعبیر قرآن را برای بدن انسان و بسته شدن نطفه نیز بیان نموده‌اند؛ مثل تفسیر اطیب البیان که فرموده: «همین نحو فیض و رحمت الهی در کالبد بدن انسانی از همین ثمرات و حیویات تولید نطفه می‌کند، اگر صلب آباء و رحم امهات پاکیزه باشد، مؤمن صالح باشند و حرام نخورده باشند، اولاد صالح تولید می‌کنند و اگر خبیث و کافر و فاسق و اکل حرام کرده باشند، اولاد فاسق و فاجر تحویل جامعه می‌دهند». (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۶۵). لذا بر اساس آیه، برای تربیت شایسته فرزند حتی قبل از تولد و هنگام انتخاب همسر باید اقدام نمود. با توجه به نکات بیان شده تربیت قبل از انعقاد نطفه ایجاد می‌شود و در بخش‌های بعد گفته خواهد شد که تربیت هر چه در سن کمتر صورت گیرد بهتر است و دوران کودکی تأثیر پذیری بیشتر دارد.

در روایات و کتاب‌های اخلاقی و تربیتی مختلف از جمله کتب تعلیم و تربیت اسلامی و بسیاری از کتاب‌های روان‌شناسی اشاره به دوران تربیت کودکان و تقسیم بندی آن اشاره شده است. لازم به ذکر است که تربیت کودک را می‌توان نسبت به مراحل رشد وی نیز در نظر گرفت که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است و طبق آن نویسندگان تربیتی با نظر به این مراحل، برای سن تربیت و موقعیت برخورد آموزشی با کودکان را نیز شرح داده‌اند. بنابراین در این قسم با توجه به آیات و روایاتی که طبق مراحل رشد سن تربیت را نیز مشخص کرده‌اند و با توجه بعضی از کتب دیگر دوران تربیت کودک را به سه دوره تقسیم بندی می‌کنیم که مقتضی هر کدام توضیح داده می‌شود.

کودک تا هفت سال اول زندگی سید و سرور است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

هفت سال دوم، سن تعلیم پذیری، «سیادت کودک»، هم از این مرحله تربیتی اطاعت و فرمان برداری است و هفت سال سوم، سن نظرخواهی و مشورت. (حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۵).

البته روایات دیگری از معصومین (ع) نیز نزدیک به این مضمون وارد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ، (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶،

ص ۴۷)؛

ترجمه: پسر بچه هفت سال بازی می کند؛ هفت سال نوشتن را فرا می گیرد؛ و هفت سال حلال و حرام را می آموزد».

لذا طبق روایات و تقسیمات روان‌شناسان دوران و مراحل تربیت را به سه قسم تقسیم می‌کنیم: الف) دوران تولد تا هفت سالگی (دوران سیادت) ب. دوران ۷ تا ۱۴ سالگی (دوران اطاعت). ج. دوران ۱۴ تا ۲۱ سالگی (دوران مشورت و وزارت)

به طور کلی تأثیرپذیری در کودکان در سنین کمتر بیشتر است. لذا تربیت هر چه از سن‌های کمتر شروع شود، تأثیرات آن بیشتر خواهد بود و در آینده و سن بالاتر بهتر و آسان‌تر می‌توان به تربیت‌های بعدی پردازیم.

• ۲-۲) محیط تربیت

انسان با دو مقوله در امر تربیت مواجه است: ۱. محیط تربیت ۲. وراثت. یکی از عوامل غیرقابل انکار در سرنوشت انسان، قانون وراثت است. خصوصیات روحی و اخلاقی همچون ویژگی‌های جسمانی از طریق عوامل وراثتی (ژن‌ها) از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. برخی قایل به نقش انحصاری وراثت در تعیین سرنوشت انسان می‌باشند، ولی از منظر برخی دیگر، قانون وراثت تنها به منزله یک بستر است و به نحو اقتضا در اعمال فرد اثر دارد نه به نحو علیت تامه. از این رو، تحت تأثیر عوامل محیطی به خصوص شیوه‌های تربیتی قابل تقویت یا تضعیف است، مضاف بر آنکه اراده انسان نیز تأثیر بسزایی در سعید یا شقی شدن او دارد.

عامل وراثت حاکم بر سرنوشت انسان نیست و نقش انحصاری در تعیین آن ندارد و در نتیجه، افراد با هر نوع وراثتی قابل تربیت و مکلف است و یکی از اهداف بعثت انبیاء نیز تقویت سرمایه‌های موروثی پسندیده و اصلاح زمینه‌های موروثی ناپسند می‌باشد. (بصری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

پدر و مادر از دو راه در وضع اخلاقی فرزند اثر می‌گذارند: تکوین و تشریح. منظور از تکوین در بحث اخلاق و تربیت، صفاتی است که درون نطفه ثبت است و ناآگاهانه به فرزند منتقل می‌شود و منظور از تشریح، تعلیم و تربیت است که آگاهانه انجام می‌گیرد. درست است که هیچ‌کدام از این دو جبری نیست، ولی بدون شک زمینه ساز صفات و روحیات انسان‌هاست و بسیار دیده شده که فرزندان افراد پاک و صالح، افرادی مانند خودشان بوده‌اند و به عکس، آلوده‌زادگان را در موارد زیادی آلوده دیده‌ایم. اما این مسأله در هر دو طرف استثناءهایی دارد که نشان می‌دهد تأثیر وراثت و تربیت، تأثیر جبری غیرقابل تغییر نیست. (مکارم، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶۵).

بنابراین نمی‌توان گفت که اگر انسانی از بدو تولد از پدر و مادر بدی متولد شده پس وی تا آخر عمر بدکار می‌شود، این مطلب صحیح نیست؛ والدین و یا انسان می‌تواند با تغییر محیط حتی بسیاری از خصلت‌های بد و ناهنجار خود را با تلاش و مودت از خداوند تبارک و تعالی، از خود بزداید و بالعکس هم افرادی هستند با تغییر محیط از بهترین به بدترین رنگ عوض کرده‌اند. پس محیط تربیت در شالوده فکری و اخلاقی انسان می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد که در این امر نیز راهکارهایی وجود دارد که در بخش آخر به آن پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است در مقوله تأثیر وراثت در تربیت اسلام نیز راهکارهایی را پیش‌روی انسان‌ها قرار داده است از جمله اولین راه پیشنهادی انتخاب همسر مناسب است چون این همسر اولین مربی فرزند خود خواهد شد چه زن که مادری سالم و چه مرد که پدری دلسوز و مهربان باشد. قرآن کریم نیز برای این امر اهمیت قائل است به طوری که می‌فرماید: «و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند «زیبایی» او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شما را به شگفت آورد آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود «شما را» به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند باشد که متذکر شوند». (بقره/۲۲۱)

و در روایات نیز به انتخاب همسر خوب تأکید شده است. حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

«تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ، (الهندی، ۱۹۸۹، حدیث ۴۴۵۵۹)؛

ترجمه: از خاندان و عشیره نیکوکار زن بگیری؛ همانا صفات به ارث می‌رسد.

و فرمودند:

«تَخَيَّرُوا لِطُفْلِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ، (الهندی، ۱۹۸۹، حدیث ۴۴۵۵۶)؛

برای نطفه‌های خود جای مناسب انتخاب کنید، زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می‌آورند».

پس نقش وراثت در تربیت مهم است و راهکارهای آن نیز از طریق آیات و روایات به دست ما رسیده است.

پس اول باید محیط اولیه تربیت را که خانواده و والدین هستند درست بسازیم تا بتوانیم در این امر موفق باشیم.

● ۱-۲-۲) محیط خانواده

در بین عوامل تربیتی، خانواده اولین و با دوام‌ترین و پایدارترین عامل در تربیت کودک می‌باشد. کار والدین

تربیت است، یعنی ایجاد تغییرات مطلوب در فرد. از نظر تربیت، خانواده کلاس اول پرورش کودک است طفل مبانی

زندگی را در آنجا فرا می‌گیرد و خوب و بد امور را از آنجا می‌آموزد.

اولین مکان و جایگاهی که انسان در بدو تولد خود با آن روبه‌رو می‌شود و مستقیماً بر رفتار و اخلاق وی تأثیر می‌گذارد، محیط خانواده است که تشکیل شده از والدین، خواهران و برادران و اقوام و خویشاوندان که در مرحله اول منظور والدین انسان می‌باشد. همان گونه که بیان شد، انتخاب همسر و بستر مناسب برای تربیت فرزند اولین قدم در ایجاد محیطی مناسب برای فرزندان و کودکانمان است که موجب می‌شود در محیطی سالم به تعالی و تکامل برسند. بنابراین اولین محیط تربیتی انسان همان مکان و بستری است که به دنیا می‌آید و به دست مریبان اول خود که والدین باشند، تکامل می‌یابد.

اولین جایگاه تعلیم و تربیت کودک محیط خانواده است، و بسیاری از زمینه‌های اخلاقی در آنجا رشد و نمو می‌کند؛ محیط سالم یا ناسالم خانواده تأثیر بسیار عمیقی در پرورش فضائل اخلاقی، یا رشد رذائل دارد؛ و در واقع باید سنگ زیربنای اخلاق انسان در آنجا نهاده شود.

اهمیت این موضوع، زمانی آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم که ۱. کودک، بسیار اثر پذیر است، ۲. آثاری که در آن سن و سال در روح او نفوذ می‌کند، ماندنی و پا برجا است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ، وَ مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ، (الهندي، ۱۹۸۹، ج ۱۰، ص ۲۴۹، حدیث ۲۹۳۳۶)»

یعنی: حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش‌کندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگی سالی می‌آموزد، همانند کسی است که بر آب می‌نویسد».

قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم/۶)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید». این آیه اشاره به خود انسان و خانواده وی است که سفارش نموده خودتان را از دچار شدن به آتش دوزخ حفظ کنید. منظور و هدف این است که با تربیت صحیح خانوادگی و ایجاد محیطی مناسب و امن برای تربیت خود و خانواده خود کوشا باشید تا دچار لغزش نشوید. خانواده می‌تواند با به‌کارگیری اصول تعلیم و تربیت خود و فرزندان را به نقطه تعالی رهنمون سازد.

بدون شک، ایجاد محیط سالم یک امر اولیه و ضروری در امر تربیت یک امر لازم و ضروری است، زیرا این محیط خانواده است که اولین تأثیر را روی شخصیت پذیری کودک می گذارد؛ از این رو برای تشکیل خانواده به چند نکته باید توجه شود.

۱. انتخاب همسر مناسب و شایسته که شالوده و ستون‌های محکم خانواده را تشکیل می دهد.

۲. هنگام تشکیل فرزند و انعقاد نطفه نکاتی باید رعایت شود که این محیط بهتر و کامل تر برای مراحل بعدی تربیت ایجاد شود.

۳. مراحل بعدی تأثیر محیط خانواده هنگام رشد کودک در شکم مادر است که باید پدر و مادر نیز به این محیط اولیه فرزند خود نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند.

۴. و مراحل بعدی رشد تربیتی که در سنین مختلف والدین وظایف گوناگونی دارند.

لذا طبق این تقسیم و مراتب این نکته قابل توجه است که مربیان اولیه انسان که والدین هستند از همان بدو شروع اولیه زندگی باید آموزش داده شوند تا وظایف خود را کامل بدانند و متوجه این امر شوند که ایجاد محیط تربیت اولیه انسان بسیار در پیشرفت روند تربیت اهمیت دارد. در ادامه بحث اشاره به وظایفی می شود که در هنگام تولد فرزندان محیط خانواده باید انجام دهند.

● ۲-۲-۲) محیط جامعه

یکی از عوامل که نقش مهم در تربیت فرزند دارد. محیط جامعه است. از آن جایی که انسان موجودی اجتماعی بوده و گرایش دارد که در جمع زندگی کند، بدون شک محیط جامعه اثرات خودش را بر او می گذارد، مثل خانواده، مدرسه و محله حتی فضای مجازی که حضور افراد در این فضا امروزه خیلی چشم گیر است.

استاد مطهری در مورد این که انسان موجود اجتماعی است، می گوید: انسان به زندگی جمعی گرایش دارد چون استعدادهای نهفته و بالقوه‌ای دارد که در پرتو زندگی جمعی به فعلیت می رسد و نیازهایی دارد که در جمع دست یافتنی است. (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۲۲).

اموری نظیر زبان، دین، مذهب و آداب و رسوم نیز که از امور تأثیرگذار بر شخصیت انسان هستند غالباً از جانب محیط بر انسان تحمیل می گردند؛ بنابر این می توان گفت: محیط، تأثیر بسزایی در شکوفایی استعدادهای انسان و شکل گیری شخصیت او دارد. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

هر انسانی بعد از محیط خانواده ناچار است با اطراف خود مثل دوستان، مدرسه، اجتماع ارتباط برقرار کند و موجب می‌شود که تأثیرات متقابلی در اجتماع خود داشته باشد به این منظور که هم تأثیر می‌پذیرد و هم تأثیرگذار خواهد بود. ابن ابی الحدید از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«إِذَا خَبْتُ الزَّمَانَ كَسَدَتِ الْفَضَائِلُ وَضُرَّتْ وَنَفَقَتِ الرِّزَالُ وَنَفَعَتْ، (غرر الحکم، ۱۳۸۹، ص ۴۵۶)؛

وقتی محیط اجتماع ناپاک و آلوده شد فضایل اخلاقی و سجایای انسانی بی‌رونق و زیان آور می‌شود و برعکس رزائل و ناپاکی رایج و سود بخش می‌گردد».

در روایت دیگر در باره محیط و جامعه فاسد می‌فرماید:

«صَارَ الْفُسُوقُ فِي النَّاسِ نَسَبًا وَالْغَافُ عَجَبًا، (همان، ص ۴۵۷)؛

ترجمه: گناه کاری و ناپاکی در آن جامعه از اوصاف عادی مردم شده و پاکدامنی و عفاف موجب شگفتی گردیده است».

بنابراین مربیان امر باید در دوران کودکی مراقبت‌های ویژه‌ای داشته باشند که متریبی خود از آسیب‌های مختلف مصون باشد و در جامعه دچار پیچیدگی‌های مختلف نشود و از خصائل نیکوی اجتماع بهره ببرد.

خداوند در قرآن کریم در مورد قوم موسی می‌فرماید:

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ، (اعراف / ۱۳۸)؛

و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم تا به قومی رسیدند که بر «پرستش» بت‌های خویش همت می‌گماشتند گفتند ای موسی همان گونه که برای آنان خدایانی است برای ما «نیز» خدایی قرار ده گفت راستی شما نادانی می‌کنید». این آیه بیانگر این مطلب است که محیط‌های ناسالم می‌تواند بر انسان تأثیرگذار بوده و به سرعت انسان را از راه خود منحرف سازد. که قوم بنی‌اسرائیل با این همه موعظه و پند حضرت موسی علیه السلام هنگامی که به قوم بت پرست رسیدند از جایگاه خود تغییر مسیر دادند.

با توجه به توضیحات که بیان گردید، در زندگی اجتماعی خصوصیات زیادی را می‌توان برشمرد که باید در موضوع تربیت مورد توجه قرار گیرند. این وظایف و خصوصیات از ضروریات جامعه اسلامی می‌باشد که باید به آن پرداخته شود.

بنا بر این کسانی که مسوولیت تربیت به دوش آنهاست وظیفه سنگین را بدوش دارند. قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست».

بدون ترید یکی از اساسی ترین نیازهای کودک پس از نیازهای مادی، نیاز به محبت است. لازم است والدین به این نیاز کودک توجه خاص داشته باشند و بدانند که پاسخگویی صحیح به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را شکل می دهد.

تحقیقات نشان می دهد که هر روزه آمار دختران که از خانواده های فرار می کنند، بیشتر می شود. یکی از علت عدم محبت به آنها در محیط خانه است؛ بدین جهت است که آنها در بیرون از خانه دنبال محبت هستند؛ چنانچه اگر به آنها محبت می شد، قطعاً دنبال محبت های دروغین نمی رفتند.

امام صادق(ع) می فرماید:

«أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ، فَفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَيُرُونَ إِلَّآ أَنكُمْ تَرُزُّوهُمْ، (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۹)؛

کودکان را دوست بدارید و به آنها محبت کنید، پس اگر به آنان وعده ای دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان روزی خود را در دست شما می بینند».

یکی از موضوعات که هم در علم روان شناسی و هم در روایات به آن تأکید و توجه شده است. شخصیت دادن به کودک می باشد. در علم روان شناسی آمده است که سلام کردن به کودک دو اثر روانی دارد: برای سلام کننده باعث تقویت خوی پسندیده تواضع و فروتنی می شود و برای کودک وسیله احیای شخصیت می باشد. کودکی که بزرگسالان به او سلام می کنند و بدین صورت به او احترام می نمایند، لیاقت و شایستگی خود را باور می کند و از کودکی معتقد می شود که جامعه او را محترم می شناسد و مردم به او اهمیت می دهند.

امام صادق(ع) از رسول اکرم(ص) نقل می کنند که می فرمود:

«... وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصِّبْيَانِ، (صدوق، بی تا، ص ۳۰۱)؛

پنج چیز است که آنها را تا لحظه مرگ ترک نمی کنم؛ یکی از آنها سلام به کودکان است».

• نتیجه گیری

از مجموع مباحث که صورت گرفت به این نتیجه دست یافتیم که در قرآن کریم و روایات به موضوع تربیت به عنوان یک اصل مهم که حیات معنوی، الهی و مادی بستگی به آن دارد، توجه شده است. از امام صادق(ع) نقل شده

است که فرمود: پدرم به من نصیحت کرد: پسر هر کس با دوست بد، هم نشین شود، سالم نمی ماند، و هر که گفتار خود را مهار نکند، پشیمان می شود و هر کسی به مکان و جاهای بد برود، مورد آماج تهمت ها و افتراها قرار می گیرد. ارزش و اعتبار یک فرد از منظر قرآن و روایات به تربیت صحیح او بستگی دارد. به این جهت، دین اسلام به تربیت اهمیت خاصی قائل شده و فلسفه بعث انبیا (ع) را هم تعلیم و تربیت معرفی کرده است و در سایه تربیت دینی و اخلاقی است که افراد بشر می توانند در کنار هم در صلح و صفا زندگی کنند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۱. ابی جعفر، محمد بن علی بن الحسین صدوق، الخصال، ترجمه احمد فهری زنجانی، نشر، علمیه اسلامیة، بی تا.
۲. امینی، ابراهیم، تعلیم و تربیت در اسلام، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۳. بصیری، حمیدرضا، گوهری، مریم، «نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و روایات»، فصلنامه سراج منیر، سال ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲.
۴. بناری، علی همت، نگرش بر تعامل فقه و تربیت، نشر، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳.
۵. حسینی، سید ابوالحسن، آشنای با نظام تربیتی اسلام، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.
۶. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، ۱۹۹۲م.
۷. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، نشر دوران، ۱۴۰۱.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان»، تهران، نشر فراهانی، ۱۴۲۷ق.
۹. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۱۰. عبدالواحد محمد تمیمی، غرالحکم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۹.
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۱، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰.

۱۳. فرهنگ معین، تهران، نشر امیر کبر، ۱۳۷۱.
۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۱۶. کلینی، یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق،
۱۷. کلینی، یعقوب، اصول کافی، نشر: الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۱۸. مرتضی، مطهری، بیست گفتار، چاپ هفتم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.
۱۹. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۲۰. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، نشر صدرا، ۱۳۸۲.
۲۱. مکارم شیرازی، «اخلاق در قرآن»، قم، مدرسه امام علی ابن ابیطاب علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۲۲. موریس دبسی، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، معنا و حدود علوم تربیتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۲۳. مهدی زاده، حسین، آئین عقل ورزی، نشر تمدن اسلامی، ۱۳۹۶.
۲۴. الهندی، علاءالدین علی الممتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، بی‌چا، ۱۹۸۹م.